

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۵/۲۶

موضوع: شرح مختصری بر «خطبه متقین»

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام بر همه شما خوبان؛ بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت» که هم اکنون بیننده برنامه «اخلاق علوی» هستید.

قرار است در این برنامه نسبت به اخلاق علوی معرفت پیدا کنیم و بتوانیم تا آنجا که در توانمان هست در مسیری که اخلاق علوی و نبی مکرم اسلام برای ما ترسیم کرده اند گام بگذاریم.

ان شاء الله بتوانیم با استفاده از مطالب کارشناس بزرگوار این برنامه زندگیمان را بیش از پیش رنگ و بوی علوی بدهیم. ان شاء الله بتوانیم آن مسیری را که هدف خلقت ما از آن بوده است را به درستی بیماییم.

به نیابت از شما عزیزان خدمت آیت الله دکتر حسینی قزوینی عرض ادب و سلام دارم. سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده‌اند خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد قسم می‌دهم فرج مولایمان بقية الله الاعظم را نزدیک نموده و ما و شما گرامیان را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید، دغدغه‌های فکری ما و شما گرامیان را برطرف سازد، حوائج همه ما را برآورده بنماید و دعاهای ما را به اجابت برساند؛ ان‌شاءالله.

#### مجری:

استاد از شما تشکر می‌کنم. عزیزانی که برنامه را به صورت زنده نگاه می‌کنند یا بعداً به صورت بازپخش برنامه را خواهند دید بدانند الان در شبی هستیم که «دحو الارض» است و برخی اعمال برای این روز وارد شده است. به دلیل اینکه این برنامه، برنامه «اخلاق علوی» است و یکی از جنبه‌ها و جلوه‌های اخلاق علوی، عمل به مضامینی است که برای ما در ایام، روزها و ساعات خاص توصیه شده است دوست دارم از محضر استاد استفاده کنیم.

از استاد می‌پرسیم آیا امشب که شب «دحو الارض» است اعمال خاصی وارد است، یا خیر؟! اگر این شب و روز اعمال خاصی دارد ان‌شاءالله با همدیگر بشنویم و بتوانیم به آن عمل کنیم. استاد در خدمت شما هستیم؛

#### فضیلت شب و روز «دحو الارض» و برخی اعمال آن

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض امری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولى و نعم النصیر

همانطور که عزیزم جناب آقای حسینی اشاره کردند امشب و فردا «دحو الارض» است. «دحو الارض» به نام گسترش زمین و شروع حیات بخشی خداوند تبارک و تعالی به عالم ناسوت و خاکی است.

این شب و روز دعاها و اعمال زیادی دارد، اما آنچه در فردا مهم است روزه گرفتن است که معادل هفتاد سال روزه است. البته عزیزان دقت داشته باشند که روزه این روز معادل هفتاد سال روزه مستحبی است، نه روزه واجب!!

اگر روزه واجب از کسی قضا رفته به اندازه اول و آخر دنیا بخواهد روزه مستحبی بگیرد جای روزه واجب را نمی‌تواند پر کند. روزه واجب جای خودش را دارد، اما اگر کسی برای رضای حق فردا روزه بگیرد به شرطی که روزه قضا نداشته باشد معادل هفتاد سال روزه است.

اگر کسی روزه قضا داشته باشد نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد. ولی اگر کسی روزه قضای واجب دارد و روزهای توصیه شده را به عنوان روزه قضای خود روزه بگیرد خداوند متعال تفضل می‌کند و پاداش آن روز را به او می‌دهد.

به عنوان مثال اگر کسی روز «دحو الارض»، روز مبعث، نیمه شعبان و دیگر ایام، روزه قضای خودش را بگیرد خداوند عالم کرم می‌کند هم به جای روزه قضایش می‌پذیرد و هم پاداش روزه آن روز را به او می‌دهد.

اگر کسی فردا به قصد قضای روزه واجب، روزه بگیرد هم یک روز قضای واجب از او ساقط شده و هم خداوند پاداش هفتاد سال روزه مستحبی به او می‌دهد. در بعضی از روایات وارد شده است که روزه «دحو الارض» کفاره هفتاد سال گناه است.

یکی از اعمال دیگر روز دحو الارض، دو رکعت نماز است که در هر رکعت یک مرتبه حمد و توحید و پنج مرتبه سوره والشمس است که بعد از آن دعای کوتاهی وارد شده است. ابتدای این دعا با «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» شروع شده که در مفاتیح الجنان هست. اگر دوستان موفق شوند این نماز را بخوانند دعای یک سطر و نیمی دارد که چنین است:

**«لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ أَقْلِنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَ اَرْحَمِنِي وَ تَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ»**

زاد المعاد- مفاتیح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۱۵۸، الباب الرابع فی أعمال لیالی و آیام شهر شوال المکرم

دوستان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به کتاب «مفاتیح الجنان» روز «دحو الارض» مراجعه نمایند. در آنجا اعمال کامل این روز موجود هست، اما مهم‌ترین عمل، گرفتن روزه است که ثواب هفتاد سال روزه و کفار هفتاد سال گناه است.

البته خدمت دوستان عرض کنم روزه این روز کفاره هفتاد سال گناهی است که بین بنده و خداوند است. اما اگر گناهی مثل حق الناس باشد قطعاً باید ابتدا صاحب حق را راضی کرد بعد از خدای عالم طلب نمود.

اگر فردی حقوقی از افراد بر گردنش مانده و دسترسی ندارد یا اگر بخواهد رضایت بگیرد فتنه ایجاد می‌شود در اینطور موارد تنها راه استغفار است. در انتهای دعای استغفار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که مخصوص زیادی

روزی هم هست عرضه می‌دارد: خدایا اگر حق الناسی از مردم بر گردن من است و من از حلیت گرفتن از آن‌ها عاجز هستم یا هستند، اما خجالت می‌کشم از آن‌ها رضایت بگیرم. تو قادر هستی آن‌ها را از من راضی گردانی! خداوند عالم ارحم الراحمین است، خداوند عالم اکرم الاکرمین است، خداوند عالم بهترین، رفیق‌ترین و مهربان‌ترین دوست برای بنده خود است.

معمولاً ما در حق هر کسی بدی می‌کنیم باید التماس کنیم، خواهش کنیم و واسطه قرار بدهیم تا ما را ببخشد. خداوند عالم می‌فرماید: ای بندگان من که در حق من بدی کردید به سوی من بیایید تا گناهانتان را ببخشم. خداوند متعال به پیغمبر اکرم دستور می‌فرماید:

**(تَبَّخْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)**

بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیمم.

**سوره حجر (۱۵): آیه ۴۹**

ای پیغمبر! به بنده‌های من بگو من خدای مهربان و بخشنده هستم. در خانه من بیایید تا گناهانتان را ببخشم. بنابراین خداوند عالم ارحم الراحمین است. همانطور که در روایت وارد شده است:

**«طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَةِ عَمَلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهُ»**

خوش به حال بنده‌ای که در کنار هر گناهِش یک استغفر الله است.

**وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۱۶، ص: ۶۹، ح**

**۲۱۰۴**

من در خدمت حضرت تعالی هستم.

## مجری:

حضرت استاد از شما ممنون و متشکرم. ان شاءالله بتوانیم به اعمال روز «دحو الارض» عمل کنیم.

عزیزانی که برنامه «اخلاق علوی» را دنبال کردند با سیر برنامه و موضوعات آن کاملاً آشنا هستند. ما دوست داریم در این بخش گریزی بزنیم به مطالبی که حضرت استاد در جلسات قبل در برنامه «اخلاق علوی» گفتند و ان شاءالله در آن موارد جمع بندی داشته باشند.

اگر دوست داشتید به تفصیل به موضوعاتی که در برنامه «اخلاق علوی» مطرح شده است دسترسی داشته باشید می‌توانید به سایت «شبکه جهانی ولایت» بخش «آرشیو» مراجعه بکنید و عنوان «اخلاق علوی» را انتخاب کنید به همه برنامه‌ها دسترسی خواهید داشت.

از حضرت استاد درخواست می‌کنم خلاصه‌ای از مطالب جلسات قبل که درباره اخلاق علوی مطرح شده است را بفرمایند و جمع بندی کنند تا من طرح موضوع جدید خواهم کرد.

## خلاصه‌ای از مباحث بیان شده در جلسات گذشته

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در گذشته بحث‌های مختلفی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اخلاق علوی داشتیم. بنده به خلاصه‌ای از مباحثی که در جلسات گذشته خدمت آقایان داشتیم اشاره می‌کنم و بعد اگر عزیزم سؤال جدیدی داشته باشند در خدمتشان باشیم. ما بخشی را در گذشته از امیرالمؤمنین داشتیم که فرمود:

«أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ مَعِيَ عِثْرَتِي وَ سِبْطَايَ عَلَى الْخَوْضِ»

من و پیامبر خدا و خاندان و نوادگان من بر لب حوض کوثر هستیم.

«فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا»

پس هر که ما را خواهان است باید گفته ما را بپذیرد.

هرکسی می‌خواهد در روز قیامت با ما باشد، در کنار حوض از آب حوض کوثر استفاده کند، فردای قیامت به شفاعت ما برسد و وارد بهشت شود باید به گفته‌های ما عمل کند.

«وَلْيَعْمَلْ عَمَلَنَا»

و به کردار ما رفتار کند.

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۲۴، ح ۱۰

به قول یکی از بزرگان که می‌گفت: بهشت را بها دهند، به بهانه ندهند!! فردای قیامت همجواری با امیرالمؤمنین فقط با شعار نیست. چنین نیست که بگویم من شیعه هستم و امیرالمؤمنین فردای قیامت مرا قسمت بالای بهشت قرار می‌دهد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرزند امیرالمؤمنین هم فرمود: ما برای کسی از طرف خدای عالم کاغذ برائتی نیاورده‌ایم و ضمانت نامه بهشتی برای کسی نداریم، مگر کسانی که به گفتار و دستورات ما عمل کنند.

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ غَاصِباً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ»

هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۷۵، ح ۳

ائمه اطهار می‌فرمایند: هر کسی از خداوند تبعیت کند، به دستورات خدا و دستورات ما را عمل کند دوست ماست. در مقابل کسانی که معصیت می‌کنند، گناه می‌کنند، مردم آزاری می‌کنند، غیبت می‌کنند، دروغ می‌گویند، حق مردم را می‌خورند و نسبت به نماز و روزه سهل انگاری می‌کنند دشمن ما هستند و ما با این‌ها هیچ رابطه خویشاوندی نداریم.

کسانی هستند که با تمام وجود تلاش می‌کنند دستورات ائمه اطهار که دستورات پیغمبر اکرم و دستورات خدای عالم است عمل کند. در مقابل شیطان زرنگ است و بر همه وجود ما تسلط دارد.

خداوند عالم می‌خواهد ما را به این شکل امتحان کند تا اگر در جایی هم گناه و معصیتی کردیم قطعاً شفاعت اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) از ما دستگیری خواهد کرد.

نکته دیگر که ما در «اخلاق علوی» بحث کردیم اصلاً خود اخلاق علوی و خوش اخلاق بودن است. امیرالمؤمنین به نقل از رسول گرامی اسلام فرمود:

**«لیس شیء أثقلَ فی المیزانِ من خُلُقٍ حَسَنٍ»**

فردای قیامت عملی در نامه اعمال بنده سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۴۴۸، ح ۲۷۵۷۲

اخلاق خوب است که می‌تواند فردای قیامت پرونده اعمال ما را سنگین و خوب و عالی کند و ما را در برابر گناهانمان رو سفید کند. همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

**« إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**

**يَعْتَدُو عَلَيْهِ وَ يَرُوْحُ»**



کسی که اخلاق خوب دارد خدا به او همان پاداشی را می‌دهد که به مجاهدین در راه خودش می‌دهد.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۰۱، ح ۱۲

بحث اخلاق خوب به این سادگی نیست. چه بسا همسر و فرزندان کارهایی انجام می‌دهند که انسان را عصبانی می‌کنند. اگر در آن کارها عصبانیت را کنترل کنید و با اخلاق خوب با او برخورد کنید جهاد کرده‌اید.

جهاد تنها رفتن به جبهه و مبارزه با دشمن نیست؛ چه بسا مبارزه با نفس از مجاهدت در راه خدا قوی‌تر است. به همین خاطر است که به مجاهدت در راه خدا جهاد اصغر و به مجاهدت با نفس، جهاد اکبر می‌گویند.

« أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ »

دشمن‌ترین دشمن تو نفس توست که تو را به راه بد می‌کشاند.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص: ۶۴، ح ۱

اگر کسی با نفس عماره‌اش مبارزه و جهاد کرد و موفق شد برنده است، امتیاز می‌گیرد، فردای قیامت رو سفید است، روز قیامت در جوار امیرالمؤمنین و اهل بیت و نبی مکرم اسلام است.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: روز قیامت نزدیک‌ترین مسلمانان به من خوش اخلاق‌ترین آن‌هاست.

بنابراین یکی از بارزترین مصداق اخلاق علوی، اخلاق خوب است؛ برخورد خوب با همسر، فرزند، برادر، خواهر، پدر، مادر، مسؤولین زیر دست و بالادست در جامعه است که بتوانیم علوی بودن و شیعه بودنمان را به نمایش بگذاریم. این ویژگی یکی از ویژگی‌های اخلاق علوی است.

یکی دیگر از نکاتی که مطرح کردیم و به نظرم نکته بسیار ظریفی بود فرمایش امیرالمؤمنین در برخورد اجتماعی است. برخورد ما با مردم، جامعه، دوست، رفیق، رئیس، مسئول و زیردستان همان برخورد اجتماعی است. امیرالمؤمنین فرمود:

« أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا »

در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد.

در دوستی با کسانی که دوست هستید معتدل و میانه‌رو باشید و نباید تمام اسرار زندگیتان را در اختیارش قرار دهید. زیرا شاید روزی دشمن تو شود. زمانی که از تمام اسرار تو باخبر باشد اسرار را برملا و تو را رسوا می‌کند.

در رفتار با همسر تلاش کن چیزهایی که در روحیه او اثر منفی می‌گذارد، احساسات و عواطف او را جریحه‌دار می‌کند را برملا نکنید.

لازم نیست هرچه در زندگی گذشته بوده را با او مطرح کنید. زیرا بعضی از قضایا در زندگی اثرات منفی می‌گذارد. بنابراین امیرالمؤمنین می‌فرماید: تلاش کنید میانه‌رو باشید.

« وَ أَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا »

و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

نهج البلاغة (للصباحي صالح)، ص: ۵۲۲؛ تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب

البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱۱، ص ۴۲۷، ح ۶۳۱۶

اگر می‌خواهید با کسی دشمنی هم کنید تمام اسرار او را برملا نکنید و آبرو و حیثیت او را از بین ببرید، زیرا شاید روزی برگردد و دوست تو باشد. در این صورت وقتی چشمت به چشمش می‌افتد خجالت می‌کشی و با

خود می‌گویی: من همان کسی هستم که نسبت به او بد و بیراه گفتم، آبرویش را بردم و حیثیت او را در جامعه لکه‌دار کردم.

این فرمایش امیرالمؤمنین جمله زیبا و ارزشمندی است که باید با طلا نوشته شود و در محل اسکان، استراحت و ماشین آویزان باشد و در هر شبانه روز الگوی زندگیمان در جامعه و خانواده قرار دهیم.

نکته دوم که امیرالمؤمنین در مسائل اجتماعی دارد، و کسی غیر از آن بزرگوار این جمله را بیان نفرموده و نمی‌توان بیان کند این است که حضرت فرمود:

« الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ »

دنیا دو روز است: روزی سازگار با تو و روزی ناسازگار با توست.

روزی مال، ثروت، مقام و امکانات در اختیار شماست و روزی هم دنیا پشت به توست. دستت از مال دنیا خالی است، پست‌ها و امکانات از تو گرفته می‌شود. به قول شاعر که می‌گوید:

روزگار است این گهی عزت دهد گهی خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید:

« فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرُ »

اگر با تو ساز بود سرمستی مکن.

وقتی دنیا به کام توست و مسؤولیت، قدرت و امکانات در اختیار داری مبدا به زبردستان و هم نوعان خودت ظلم کنی. بدان اگر به زبردستان خودت ظلم کردی، عصبانی شدی و بر سر او فریاد کشیدی بدان عصبانیت و فریادی از بالادست خود طلب داری.

دنیا، دنیای بده و بستان است. اگر شما در محیط خانه با همسر و فرزندان خود عصبانی می‌شوید و آن‌ها توانایی دفاع ندارند زمانی که به فلان اداره یا فلان مؤسسه رفتید کسی جلوی دیگران نسبت به شما عصبانی می‌شود و داد و فریاد می‌کند و شما توان دفاع ندارید. در این صورت نباید عصبانی شوید، زیرا شما سر اهل و عیال خود فریاد کشیدید و این شخص هم سر شما فریاد کشید.

تلاش کن اگر مسؤولیتی را پذیرفتید نان کسی را قطع کنید. دائماً نگو که فلان شخص باید اخراج بشود و تلاش کن دل کسی را نشکنی. اگر دل کسی را شکستی بدان یک دل شکستن از تقدیر الهی طلب توست و روزی کسی می‌آید و دل تو را می‌شکند.

« وَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاْضِرُّ »

و اگر ناساز بود شکیبیا باش.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۵۴۶، ح

۴۰۶

اگر روزگار به تو پشت کرد و دستت از امکانات، مسند و مسؤولیت خالی شد جزع و فزع نکن و دائماً مگو که چرا بد آورده‌ام و ورشکست شده‌ام، بلکه صبر و تحمل کن. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْعَذْرِ مَعْرُوفَةٌ»

این دنیا سرایی است که بلاها از هر سو گردش را گرفته و به غدر و بی‌وفایی شهرت یافته است.

«لَا تَدُومُ أحوَالُهَا»

نه خود همواره بر یک حال باشد.

«وَلَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا»

و نه ساکنانش در امان و سلامت به سر برند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۴۸، خ

۲۲۶

هر چه امکانات بیشتر باشد گرفتاری هم بیشتر است. این هم نکته زیبایی بود که در گذشته از امیرالمؤمنین در خصوص مسائل اجتماعی مطرح کردیم که ان شاء الله الگوی ما باشند. روایتی دیگر از آن بزرگوار آوردیم که فرمودند:

«إِنَّ سِنَّةً لَا تُحْجَبُ لَهُمُ عَنِ اللَّهِ دَعْوَةٌ»

شش دسته هستند که خدا دعای آنها را رد نمی‌کند.

«الإِمَامُ الْمُقْسِطُ»

رهبر عادل.

خداوند عالم دعای رهبر عادل، حاکم عادل، رئیس جمهور عادل، استاندار عادل، شهردار عادل و کسی که عدالت را در حوزه مسؤولیتش رعایت می‌کند را رد نمی‌کند.

«وَالْوَالِدُ الْبَارُّ لِوَالِدِهِ»

پدر و مادری که در حق فرزندش خوبی کرده باشد.

بعضی از پدر و مادرها اصلاً توجه ندارند؛ همین اندازه که فرزند مقداری خوب و بد را تشخیص داد او را رها می‌کنند و پیگیر نیستند که با کدام رفیق می‌گردد؟ نماز می‌خواند یا نمی‌خواند؟ اخلاق خوش دارد یا ندارد؟ چنین پدر و مادری کار درستی نمی‌کنند.

به فرموده امیرالمؤمنین پدری خوب است که از ابتدای طفولیت فرزند، مراقب تربیت او باشد. امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ»

و تو مسئول هستی تا او را خوب تربیت کنی.

اگر در تربیت فرزند خود کوتاهی کردید فردا مجازات خواهید شد. اگر در تربیت فرزند خود کوتاهی کردید و او به راه منحرفی رفت و با دوستان ناباب رفیق شد نه تنها خود او عذاب می‌کشد، بلکه فردای قیامت تو را هم عذاب می‌دهد.

«وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

و تو مسئول هستی تا او را خوب تربیت کنی و او را به صفات کمالی خداوند متعال هدایت نمایی!

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۶۲۲، ح ۳۲۱۴

بعضی افراد از کودکی فرزند خود را با اشعار آشنا می‌کنند و خوشحال هستند که او چند واژه انگلیسی و فرانسوی یاد گرفته است.

در مقابل افرادی هستند که از ابتدای کودکی نام ائمه اطهار و خداوند متعال را به فرزند خود یاد می‌دهند. اصول دین را به فرزند خود یاد دادند و فرزند خود را با خود به مسجد می‌برند. شما می‌بینید که این دو تربیت از زمین تا آسمان باهم تفاوت دارند.

فرزندی که از ابتدای طفولیت اشعار و ترانه حفظ می‌کند مشخص است عاقبتش چه خواهد شد. در مقابل فرزندی که از طفولیت قرآن حفظ می‌کند، روایت حفظ می‌کند، به مسجد می‌رود، به عزاداری و عبادتگاه می‌رود هم عاقبتش مشخص است.

فرزندانتان را علی‌وار تربیت کنید، اهل بیتی تربیت کنید. دقت کنید که اخلاق اهل بیت چه بوده است و فرزند را از ابتدای کودکی با اخلاق اهل بیت آشنا کنید.

بنابراین دومین دسته از انسان‌هایی که دعایشان رد نخواهد شد پدر و مادری است که در تربیت فرزندان خود کوشا هستند و کوتاهی نمی‌کنند. به فرمایش امیرالمؤمنین دسته سوم از کسانی که دعایشان رد نمی‌شود؛

**«وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ لِيُؤَدِّهِ»**

فرزندی که در حق پدر و مادرش نیکی کند.

فرزندی که در حق پدر و مادرش خوبی می‌کند، به آن‌ها احترام می‌گذارد و احترام پدر و مادر را دارد جزو این گروه هستند. خدای عالم در چند جای قرآن می‌فرماید:

**(وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)**

و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید.

سوره نساء (۴): آیه ۳۶

خداوند متعال احسان به پدر و مادر را در کنار توحید، عدم شرک خود و اطاعت از خود آورده است. لذا دعای فرزندی که احترام پدر و مادر خود را نگهدارد به استجاب خواهد رسید.

در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) وارد شده است که فرزندی با پدر خود راه می‌رفت در حالی که جلوتر از پدر خود حرکت می‌کرد. حضرت عصبانی شدند و فرمودند: تو جلوتر از پدر خود راه می‌روی؟! اهل بیت (علیهم السلام) تا این اندازه احترام به والدین را رعایت می‌کنند.

همچنین به فرموده اهل بیت (علیهم السلام) اگر فرزند صدایش را بلندتر از صدای پدر و مادر کند مورد حساب و کتاب قرار خواهد گرفت. بنابراین دعای فرزندی که حقوق پدر و مادر را رعایت می‌کند و در حق آن‌ها احسان می‌کند رد نمی‌شود. در روایت وارد شده است اگر حاجت و گرفتاری دارید به پدر و مادرتان احسان کنید، برایشان هدیه‌ای ببرید و از آن‌ها بخواهید برایتان دعا کند.

چهارمین شخصی که دعایش رد نمی‌شود؛

**«وَالْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ»**

و دعای مؤمن برای برادر مؤمن خود در غیاب او.

اگر کسی پشت سر برادران دینی دعا کند ملائکه هم پشت سر او دعا می‌کنند. پنجمین شخصی که دعایش رد نمی‌شود؛

**«وَالْمَظْلُومُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ»**

و دعای مظلوم، خدای تعالی می‌فرماید: من اگر چه بعد از مدتی برای تو انتقام می‌گیرم.

وقتی مظلومی در حق ظالم نفرین کرد خداوند می‌فرماید: ای بنده از آن ظالم انتقام می‌گیرم، ولو بعد از مدتی باشد.



آخرین نصیحتی که حضرت سیدالشهدا در روز عاشورا به فرزندش امام سجاد داشت این بود که فرمود:

«لَا تُظْلِمَنَّ مَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»

مبادا به بنده‌ای ظلم کنی که غیر از خداوند پناهگاهی ندارد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۳۴۴، ح ۷۸۹۳

عزیزان دلی را نشکنید که اگر شکست بگوید: «یا الله». ششمین کسی که دعایش رد نمی‌شود؛

«وَالْفَقِيرُ الْمُنْعَمُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا»

و دعای فقیر در حق شخصی که به او کمک کرده است - اگر مؤمن باشد.

معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، نویسنده: کراجکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: حسینی، احمد،

ص ۵۵، باب ذکر ما جاء فی ستة

زمانی که در حق بیچاره‌ای احسان می‌کنید، شخص گرفتاری را از گرفتاری نجات می‌دهید، به شخص بیمار کمک می‌کنید و او را به بیمارستان می‌رسانید، اگر شخص بیمار نیاز به دارو دارد و نمی‌تواند دارو بخرد برای او دارو می‌خرید؛ زمانی که برای نیازمندان برنج و روغن و سایر مایحتاج زندگی می‌فرستید، زمانی که شخص نیازمند در خانه شما می‌آید و به او احسان می‌کنید او در حق شما دعا می‌کند. خداوند عالم دعای فقیری که به او احسان کردی را رد نمی‌کند.

در این زمینه مطالب بسیار زیاد بود، اما من خواستم به یکی دو مورد اشاره کنم. ان شاء الله در جلسات بعدی ادامه مباحث را بیان خواهم کرد. امیرالمؤمنین همچنان روی رسیدگی به برادران دینی و رسیدگی به انسان‌ها خیلی تلاش داشت.

عزیزانی که در داخل یا خارج کشور صدای ما را می‌شنوید و دوست دارید زندگیتان زندگی علوی باشد و اخلاقتان مزین به اخلاق علوی باشد تلاش کنید از امکاناتی که خدای عالم به شما داده به دیگران هم کمک کنید. با خود نگویید که من باید میلیاردی و میلیونری شوم!!

زیرا وقتی با همان امکانات کم به فقیر و مستمند و برادر دینی‌ات کمک کردی هنر کرده‌ای؛ وگرنه کمک کردن در زمانی که میلیاردی و میلیونری شوید هنر نیست. هنر آن است وقتی دو نان در خانه داری یکی از آن را با خانواده می‌خوری و دیگری را به برادر دینی خود می‌دهی. شاعر می‌گوید:

از مردم افتاده مدد گیر که این قوم

با بی‌پروایی و بال دیگرانند

معمولاً هرچه ثروت بیشتر شود قساوت قلب و همچنین علاقه و حرص او به مال دنیا هم بیشتر می‌شود. کسانی که ثروت دنیایی کم‌تری دارند دست و دل‌بازترند. حضرت می‌فرماید:

«مَنْ كَثُرَتْ [نِعْمَةٌ] نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ»

هر که از نعمت‌های خداوندی بیشتر بهره یابد، مردم نیازمند هم بیشتر به او رجوع می‌کنند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۵۴۱، ح

۳۷۸

اگر توانستید مراجعات مردم را پاسخ بدهید و با همان امکانات کمی که در اختیار دارید به برادران دینی‌تان کمک کردید هنر کرده‌اید و این کار باعث می‌شود خداوند عالم نعمت‌های خودش را بر سرتان سرازیر کند و همانند ابر بهار که پی در پی می‌بارد؛

(يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا)

تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد.

سوره هود (۱۱): آیه ۵۲

اما اگر کسی به شما مراجعه کرد و توانایی حل مشکل او را داشتید، اما مشکل او را برطرف نکردید باعث می‌شود خداوند همان نعمت کمی که در اختیار شماست را از شما بگیرد.

بنابراین دقت کنیم یکی از چیزهایی که باعث می‌شود نعمت در دست انسان گسترش پیدا کند توجه به بندگان خدا است. پیامبر فرمود:

«الخلق عيال الله فاحب الناس إلى الله من احسن إلى عياله»

خلایق عیال خداوند هستند و بهترین انسان‌ها کسی است که به عیال خداوند احسان و خوبی کند.

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة - ۱۴۱۵، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج ۵، ص ۳۵۶، ح

۵۵۴۱

بنابراین اگر بخواهیم با این شکل رضایت خداوند را به دست آوریم ارزشمند است. اگر برادر دینی حاجتی داشت و قبل از اینکه بگوید حاجت او را برآورده کردیم و مشکل او را برطرف کردیم کار ارزشمندی انجام دادیم.

اگر در جایی به فقیری کمک کردیم از او بخواهیم برایمان دعا کند. چه بسا دعای انسانی که در حق او کمک کردیم از صدها ختمی که خودمان می‌گیریم باارزش‌تر باشد.

بیشتر از این در این خصوص صحبت نمی‌کنم. ان شاء الله بعدها باز هم در خدمت دوستان هستیم. این مطالب خلاصه بحث‌هایی است که ما در گذشته داشتیم.

## مجری:

حضرت استاد از شما تشکر می‌کنم. شما بینندگان عزیز اگر دوست دارید مباحثی را که می‌شنوید برای دیگران بفرستید به راحتی می‌توانید به کانال «شبکه جهانی ولایت» مراجعه کنید.

کلیپ‌ها به صورت موضوع بندی شده در آنجا قرار داده خواهد شد و متن برنامه‌ها نیز چند روز پس از پیاده شدن در سایت «شبکه جهانی ولایت» هست. در ضمن برنامه هم به صورت صوتی و هم به صورت تصویری در آنجا هست و می‌توانید گوش بدهید.

اما در همین حد که شما در میان این همه سلاقی مختلف و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و از میان سایت‌های مختلف ماهواره‌ای شبکه «شبکه جهانی ولایت» را به صورت زنده دنبال می‌کنید نشانه خوبی است.

انتخاب شما نشانگر این است که شما به سمت خداوند و اسلام اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) هستید. ان شاء الله خداوند به همه شما توفیق دهد که بین این همه مطالب و موضوعات مختلف مباحث «شبکه جهانی ولایت» را انتخاب کردید.

در فاصله کوتاهی میان برنامه‌ای می‌بینیم، بعد از آن برمی‌گردیم و مباحثمان را با آیت الله دکتر حسینی قزوینی ادامه می‌دهیم.

پس از ادامه مباحث منتظر تماس‌های شما می‌مانیم تا ان شاء الله تماس بگیرید و سؤالات و موضوعات و مطالب خودتان را در موضوع برنامه «اخلاق علوی» مطرح کنید. با ما همراه باشید.

از همراهی شما بینندگان عزیز ممنونم. ان شاء الله بتوانیم از این مطالب استفاده کنیم و به موضوعات و معارفی که به دست ما می‌رسد عمل کنیم.

حضرت استاد یکی از خطبه‌های «نهج البلاغه» که اخلاق علوی را به صورت مبسوط مطرح کرده و می‌تواند برای هر کسی از افراد بشر در هر عصری که زندگی می‌کند الگو باشد بحث «خطبه متقین» یا «خطبه همام» است که فرمایش امیرالمؤمنین است.

بزرگواری کنید قدری در مورد این خطبه توضیح بدهید.

### شرح «خطبه متقین» در «نهج البلاغه»

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته زیبایی بیان کردید؛ «خطبه متقین» که در کتاب «نهج البلاغه» است خطبه ۱۹۳ و در بعضی از کتاب‌ها خطبه ۱۹۱ معروف به «خطبه همام» یکی از اصحاب امیرالمؤمنین است. او خدمت آن بزرگوار می‌آید و عرضه می‌دارد:

«يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ»

یا امیرالمؤمنین! متقین را برای من توصیف کن تا آن‌ها را الگوی خودم قرار دهم.

خیلی عجیب است؛ علی رغم آیات زیادی که در مورد تقوا داریم و روایاتی که از نبی مکرم اسلام شنیدند او خدمت امیرالمؤمنین می‌آید، زیرا می‌داند علی بن ابی طالب است که می‌تواند صفات ارزشمند متقین را برای آن‌ها بیان کند و برای جامعه الگوسازی کند.

این داستان بسیار مفصل است؛ ابتدا حضرت مقداری تأمل می‌کند سپس شروع به بیان کردن این خطبه می‌کند. همانطور که حضرتعالی هم اشاره کردید تمامی اخلاق علوی در این خطبه به نمایش گذاشته شده است.

بنده معتقدم اگر کسی می‌خواهد خود را به اخلاق علوی متصف کند این خطبه ولو ترجمه آن را هر روز یک بار از اول تا آخر بخواند تا اصلاً ببیند اخلاق علوی به چه معناست؛ علوی زندگی کردن، علوی در جامعه بودن، الگوی علوی را در جامعه انجام دادن به چه معناست؟!

چنین نیست که ما تنها به این اکتفا کنیم که شیعه علی و دوستدار علی هستیم. امیرالمؤمنین با تمام عظمت و جایگاهی که نزد خداوند عالم دارد هر شب از ترس خداوند آنچنان گریه می‌کند تا جایی که بیهوش می‌شود.

زمانی که به حضرت فاطمه زهرا خبر می‌دهند: "امیرالمؤمنین فلان جا افتاده است. کسی را بفرستید تا جنازه ایشان را بیاورد"، آن بزرگوار می‌فرماید: "این کار هر شب امیرالمؤمنین است." زمانی که «دعای کمیل» فرمایش امیرالمؤمنین را می‌خوانیم بدنمان به لرزه درمی‌آید. صحابی به نام «همام» خدمت حضرت می‌آید و عرضه می‌دارد:

«صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ»

حضرت در ادامه اوصاف متقین را مطرح می‌کنند و به تعبیر ما اخلاق اهل‌بیتی را بیان می‌کند. نمی‌دانم این سخنان امیرالمؤمنین با این صحابی چه کرد، زیرا در ادامه وارد شده است:

«فَصَعِقَ هَمَّامٌ صَعَقَةً كَأَنَّهُ نَفْسُهُ فِيهَا»

همام ناله‌ای سر داد و از دنیا رفت.

سخنان امیرالمؤمنین آنچنان در وجود این صحابی تأثیر گذاشت یک ناله‌ای کرد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. خیلی عجیب است.

«فَصَعِقَ هَمَّامٌ صَعَقَةً كَأَنَّهُ نَفْسُهُ فِيهَا»

امیرالمؤمنین سپس فرمودند:

«أَمَا وَ اللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ»

به خدا سوگند خودم بیم داشتم که سخنان من او را منقلب کند.

حضرت بیم داشتند «همام» توان و تحمل این سخنان را نداشته باشد. سپس فرمودند:

«أَهَكَذَا تَضَعُ الْمَوَاعِظَ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا»

موعظه‌های جانسوز با اهلش چنین کاری می‌کند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۰۶، خ

۱۹۳

به قول معروف سخنی که از قلب برخیزد بر قلب می‌نشیند. سخنانی که امیرالمؤمنین بیان می‌کند فرازهای مختلفی دارد.

بنده به یاد دارم تقریباً ۵، ۶ سال قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ در ماه مبارک رمضان در قزوین منبر می‌رفتم. من ۶۰ جلسه درباره «خطبه همام» صحبت کردم.

واقعاً هر روز که فرازی از این خطبه را بیان می‌کردم برای خودم بسیار لذت‌بخش و شیرین بود و واقعاً برصفای وجود آدم افزوده می‌شد. نماز و مناجات انسان حال دیگری پیدا می‌کرد و اصلاً آدم در دنیای دیگری سیر می‌کرد.

این خطبه برای مردم هم بسیار لذت‌بخش بود. آن‌ها بسیار اظهار رضایت می‌کردند و می‌گفتند: "تعابیری که در کلمات امیرالمؤمنین است واقعاً بسیار جانسوز و تأثیرگذار است."

ان شاء الله اگر خداوند به ما توفیق دهد می‌توانیم چندین جلسه در خصوص این خطبه مطالبی بیان کنیم. البته اگر بخواهیم شروع کنیم شاید بیش از یکسال طول بکشد و کمتر از ۴۰ یا ۵۰ جلسه نمی‌شود «خطبه متقین» را جمع کرد مگر اینکه تنها به ترجمه خطبه اکتفا کنیم.

اگر خداوند عالم به ما توفیق دهد با توجه به اینکه خداوند عالم به ذهن جنابعالی انداخت و سؤال کردید ان شاء الله بتوانیم «خطبه متقین» که نمایشی از اخلاق علوی است را برای بینندگان عزیز توضیح دهیم.

**مجری:**

استاد مسائلی درباره این خطبه وجود دارد؛ چرا امیرالمؤمنین ابتدا در پاسخ دادن به «همام» تأمل کردند؟ ثانیاً چرا حضرت به یک پاسخ مختصر اکتفا کردند؟

**علت درنگ امیرالمؤمنین در برابر سؤال «همام»**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در ابتدای خطبه وارد شده است؛

«رَوَى أَنَّ صَاحِباً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقَالُ لَهُ هَمَّامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ»

سپس وارد شده است:

**«فَتَنَاقَلَ ع عَنْ جَوَابِهِ»**

حضرت ابتدا در پاسخ دادن درنگ کرد.



«همام» سؤال پرسید و منتظر پاسخ ماند در حالی که امیرالمؤمنین هم لب فروبستند. شارحین «نهج البلاغه» در اینجا شروع کردند به پرسیدن اینکه درنگ کردن امیرالمؤمنین برای چه بوده است؟!

عده‌ای از اهل سنت ادعا کردند که حتماً علی بن ابی طالب می‌خواست جملات را در ذهن خود مرتب کند و ببیند ابتدا، وسط و انتهای مطالب را چطور بیان کند. آن‌ها تصور می‌کنند امیرالمؤمنین هم همانند آخوندهای خودشان یا آخوندهایی که می‌خواهند منبر بروند ابتدا مطالب را می‌چینند.

جالب اینجاست که «ابن ابی الحدید معتزلی» جمله زیبایی دارد و می‌گوید: "امیرالمؤمنین به وسیله این تثاقل و درنگ کردن می‌خواست از یک روش روانشناسی استفاده کند، زیرا وقتی «همام» سؤال پرسید منتظر جواب است. درنگ و تأمل امیرالمؤمنین سبب شد که اشتیاق او به جواب بیشتر شود و حواسش را بیشتر جمع کند."

زمانی که کسی سؤال می‌پرسد و همانجا جواب را دریافت می‌کند شاید به آن جواب ارزش زیادی قائل نشود. اما زمانی که سؤال پرسید و استاد چند دقیقه تأمل کرد یا مطالب دیگری را گفت بعد جواب را بیان کرد در دل سائل شورش، شوق و علاقه وافر ایجاد می‌کند. در این صورت سائل مشتاق است تا ببیند استاد چه جوابی می‌خواهد دهد. بنابراین امیرالمؤمنین مقداری تأمل کرد تا عشق و علاقه صحابی به جواب بیشتر باشد.

عده دیگری بیان کردند که در مجلس افراد نابابی بودند. امیرالمؤمنین تأمل کرد تا آن‌ها از جلسه بیرون روند و مجلس از اغیار خالی باشد، زیرا این سخنان همانند دُر و طلاست و هرکسی خریدار این سخنان نیست.

در جواب دوم حضرتعالی مبنی بر اینکه چرا حضرت به یک جواب مختصر اکتفا کردند، باید بگوییم که مشاهده کنید در ابتدای روایت آمده است:

**«ثُمَّ قَالَ يَا هَمَّامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنْ»**

حضرت فرمودند: یا همام! تقوا پیشه کن و احسان کن.

## «فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»

امیرالمؤمنین با این جمله خواستند بگویند معنای تقوا و صفات متقین روشن است؛ تقوا به معنای اتیان واجبات و ترک محرّمات است. همچنین به تعبیر امام صادق (علیه السلام) نباید در جایی که خدای عالم به شما دستور داده جایتان خالی باشد.

به عنوان مثال وقت نماز خداوند متعال باید تو را جلوی سجاده‌ات ببیند، در ماه رمضان خداوند باید تو را در حال روزه ببیند. همچنین در جایی که خداوند متعال نهی فرموده همانند شراب‌خانه، محل غیبت و دروغ نباید حضور داشته باشید.

توجه داشته باشید معنای تقوا روشن است اما امیرالمؤمنین در اینجا نتیجه تقوا را برای این صحابی بیان کرد، زیرا تقوا روشن بود و به صورت اجمال برای همه روشن است. تقوا به معنای گناه نکردن و بندگی خداوند متعال است، اما نتیجه تقوا چیست؟!

## (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا)

خداوند با کسانی است که تقوی پیشه می‌کنند.

خداوند با متقین است، خداوند یار متقین است، خداوند مدافع متقین است، خداوند همراه متقین است.

## (وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ)

و کسانی که نیکوکارند.

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۸

من در رابطه با این دو جمله حضرت توضیحی را خدمت عزیزان عرض کنم. در رابطه با آیه شریفه:

## (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا)

خدای عالم در سوره طلاق آیه ۲ تا ۵ در نتیجه تقوا چند نکته زیبایی را بیان کرده است. قرآن کریم می‌فرماید:

## (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

## سوره طلاق (۶۵): آیه ۲

اولین نتیجه تقوا این است که هرگاه انسان دچار گرفتاری شود خداوند عالم از این گرفتاری راه خروج و نجات برای او قرار می‌دهد. بنابراین یکی از نتایج تقوا رهایی از گرفتاری‌هاست.

## (وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.

## سوره طلاق (۶۵): آیه ۳

یکی دیگر از نتایج تقوا این است که خداوند عالم به انسان روزی بی‌حساب می‌دهد. شخصی که کارمند یا کارگر است می‌داند که سر ماه حقوق معینی دریافت خواهد کرد که این حقوق حساب شده است.

گاهی اوقات در اداره کاری انجام می‌شود. به عنوان مثال انسان بزرگی از محل بازدید می‌کند و از کار این کارمند خوشش می‌آید و چک ده میلیون تومانی برای او می‌نویسد. به این روزی، روزی بی‌حساب می‌گویند.

همچنین گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که شخص از حقوق ماهیانه‌اش زمین، فرش یا اموال دیگری می‌خرد و چندین روز دیگر می‌فروشد و یک مرتبه به سود کلانی دست پیدا می‌کند روزی‌های بی‌حساب از نتایج تقوا است.

یکی از نتایج و حاصل متقی بودن، گناه نکردن، و بندگی خدا کردن، روزی‌هایی است که به ذهن ما نمی‌آید. خداوند متعال در ادامه می‌فرماید:

**(وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا)**

و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را بر او آسان می‌سازد.

**سوره طلاق (۶۵): آیه ۴**

یکی از نتایج تقوا این است که خداوند عالم کارها را برای او آسان می‌کند و هر کار سخت و مشکلی را به راحتی پشت سر می‌گذارد. اگر شخص مشکلات خانوادگی، زندگی، اداری، شهری و دیگر مشکلاتی از این قبیل دارد موفق می‌شود آن را حل کند.

یکی از نتایج تقوا این است که خدای عالم مشکلات او را حل می‌کند و هر کاری را برای او سهل و آسان قرار می‌دهد.

**(وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ)**

و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند گناهان او را می‌بخشد.

**سوره طلاق (۶۵): آیه ۵**

هرکسی تقوا پیشه کند خداوند عالم گناهان او را می‌پوشاند و نمی‌گذارد در پرونده‌اش گناهی بماند. فردای قیامت زمانی که این شخص پرونده‌اش را می‌گیرد دلهره دارد و با خود می‌گوید گناه کردم و معصیت کردم. او دائماً ورق می‌زند، اما می‌بیند از گناهان او خبری نیست.

نتیجه تقوا این است که خداوند عالم به خاطر تقوا گناهان را از پرونده‌اش محو می‌کند و می‌پوشاند به طوری که نه ملائکه می‌بینند و نه خودش فردای قیامت آن‌ها را می‌بیند.

### (يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)

در آن روز که اسرار پنهان آشکار می‌شود.

### سوره طارق (۸۶): آیه ۹

روزی که تمام پرونده‌ها برملا می‌شود و تمام اسرار زندگی ما در جلوی انبیاء، ملائکه، اولیاء و خداوندگان خدا روشن می‌شود. کسانی که تقوا دارند گناه نمی‌کنند، بنده خدا هستند در روز قیامت اسرارشان برملا نمی‌شود. شخصی که نمازش را سر وقت می‌خواند، روزه‌اش را می‌گیرد، وجوهات شرعی خود را پرداخت می‌کند، دروغ نمی‌کند، غیبت نمی‌کند، نسبت به پدر و مادر و همسر و فرزند احترام می‌گذارد و اخلاق علوی را رعایت می‌کند خداوند گناهان او را نابود می‌کند.

امیرالمؤمنین زمانی که در ادامه روایت فرمودند:

### (فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ)

خواستند بگویند: ارزش یک انسان به کثرت عمل نیست!! ملاک این نیست که در هر شبانه روز ۳۰۰ یا ۴۰۰ رکعت نماز بخوانید و در طول سال دائماً روزه بگیرید. کثرت عمل ملاک نیست، بلکه حُسن عمل ملاک است. عمل خوب پیش خدای عالم ارزش دارد، نه عمل زیاد. بنابراین در سوره ملک آیه ۲ وارد شده است:

### (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا)

همان کسی که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک بهتر عمل می‌کنید.

## سوره ملک (۶۷): آیه ۲

اصلاً خدای عالم بشر را آفریده است، حیات و مرگ آفریده شده تا شما را امتحان کند و ببیند کدام یک از شما عمل خوب بیشتری دارید. شاید یکی از علل فرمایش امیرالمؤمنین به «همام» می‌فرماید: (فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ) همین تعبیر قرآن است که می‌فرماید هدف خلقت و آفرینش این است که ببیند کدام یک از شما اعمال نیک، درست و مطابق دستورات الهی دارید.

در روایت وارد شده ارزش دو رکعت نماز با حضور قلب از هزار رکعت نماز بی حضور قلب بیشتر است. امام صادق ذیل همین آیه می‌فرماید:

«لَيْسَ يَغْنَى أَكْثَرُكُمْ عَمَلًا، وَ لَكِنْ أَصْوَبُكُمْ عَمَلًا»

کثرت عمل ملاک نیست، بلکه صحیح بودن عمل ملاک است.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: دارالحدیث، ج ۳، ص ۴۶، ح ۱۴۸۵

در روایت وارد شده است کسی که نماز می‌خواند به ازای هر مقدار حضور قلبی که دارد نمازش مورد قبول است. اگر در نصف نماز حضور قلب داشتی همان مقدار قبول است، اگر در یک پنجم نماز حضور قلب داشتی همان یک پنجم قبول است.

روز قیامت یک مرتبه مشاهده می‌کنید که نماز صبح شما را نیم رکعتی نوشته‌اند. از ملائکه می‌پرسید: من که نماز نیم رکعتی نخوانده‌ام. آن‌ها در جواب می‌گویند: تنها در نیم رکعت نماز حضور قلب داشتی و همین مقدار مورد قبول است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: چه بسا ۷۰ سال بر عمر یک بنده می‌گذارد، اما یک رکعت نماز قبول شده ندارد. بنابراین حضرت می‌فرماید:

«وَلَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا»

عمل خالص و حضور قلب برای خدا عملی است که تنها و تنها خدا را در نظر بگیریم و ملاک دیگری نداشته باشیم. آیات زیادی در قرآن کریم وارد شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۵

همچنین در آیه دیگری وارد شده است:

(فَأَتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا)

خداوند آن‌ها را به خاطر این سخن باغ‌هایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختان آن نهرها جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند.

به خاطر گفتار نیک و عبادت خوبی که داشتند خداوند متعال آن‌ها را به بهشت می‌برد در حالی که زیر پایشان نهرهایی از جوی روان است و همیشه هم آنجا هستند. سپس می‌فرماید:

(وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ)

و این جزای نیکوکاران است.

سوره مائده (۵): آیه ۸۵

بنابراین این نکات خیلی ظریف است. امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرماید:

«وَقَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ الشُّكِّ وَ الشُّبْهَةِ»

انجام دادن عمل خوب با آگاهی و معرفت بیشتر بهتر است از عمل زیاد بدون معرفت

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱، ص

۲۰۸، ح ۱۰

یکی از مراجع ما می‌فرمودند: اگر حواسمان به خداوند متعال در نماز خواندن به اندازه یک بچه ۴ یا ۵ ساله باشد دنیا و آخرتمان آباد است.

زمانی که با یک بچه ۴ یا ۵ ساله صحبت می‌کنیم حواسمان جمع است و تلاش می‌کنیم کلمات درستی به کار ببریم، چرندیات نگوئیم، توهین نکنیم و فحش ندهیم. به عبارت دیگر کاملاً به کلماتی که از دهانمان خارج می‌شود توجه داریم.

بنابراین اگر از اول نماز تا آخر نماز به اندازه بچه ۴ ساله توجه داشته باشیم آخرتمان آباد است!! خدایا از این تشبیه خجالت می‌کشم که ما در نمازمان این قدر حضور قلب داشته باشیم.

ما نماز حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را هم مطرح خواهیم کرد. زمانی که وقت نماز می‌رسید بدن حضرت می‌لرزید و رنگ مبارکشان تغییر پیدا می‌کرد. زمانی که اطرافیان علت این تغییر حالت را از آن بزرگوار می‌پرسیدند، می‌فرمود: وقت ملاقات با خداوند رسیده است.

وقت ملاقات با کسی که آسمان و زمین و عرش کرسی را آفریده و دنیا و آخرت و همه چیزمان دست اوست. زمانی که امام سجاد می‌خواستند وضو بگیرند رنگشان متحول می‌شد، می‌لرزیدند و می‌فرمودند: می‌خواهم به

ملاقات خدا بروم و با او صحبت کنم!



زمانی که حضرت صدیقه طاهره نماز می‌خواند نفس مبارکش به شماره می‌افتاد درست همانند کسی که در حال جان دادن است و روح از بدنش جدا می‌شود. حضرت فاطمه زهرا این چنین بودند.

اگر خداوند متعال توفیقمان بدهد یک روز نماز اهل بیت و ائمه اطهار (علیهم السلام) را در اینجا بیان می‌کنیم. به قول یکی از بزرگان یکی از استغفارها و توبه‌هایی که باید کنیم همین نمازهایمان است که باید از آن توبه و استغفار کنیم و بگوییم:

**«یا رُوُوف یا رحیم، یا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأُضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ بِأُضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ»**

بیش از این در این خصوص صحبت نمی‌کنم و مقداری از وقت را در اختیار بینندگان عزیز قرار می‌دهیم. ان‌شاءالله در جلسات بعد درباره سخن امیرالمؤمنین در «خطبه متقین» صحبت خواهیم کرد. ان‌شاءالله این مطالب هم برای خودمان و هم برای بینندگان عزیز مفید باشد.

ان‌شاءالله نفس زدن‌ها، حرف زدن‌ها و شنیدن‌هایمان بهترین ذخیره و توشه برای شب اول قبرمان، عالم برزخ و قیامت ما باشد که ان‌شاءالله این کلمات حضرت در آنجا از ما دستگیری داشته باشد.

**مجری:**

حضرت استاد از شما متشکرم. سؤال دیگری هم داشتم، اما دوست داریم صدای شما بینندگان را هم بشنویم و تماس‌های شما را دریافت کنیم. در فاصله‌ای کوتاه به اتاق فرمان می‌رویم، میان برنامه‌ای را پخش می‌کنند و بعد از آن تماس‌های شما عزیزان را می‌شنویم.

بینندگان عزیز و ارجمند از همراهی شما ممنونم. حتماً قسمت‌های بعد برنامه «اخلاق علوی» را دنبال کنید و فرازهایی از «خطبه متقین» را بشنوید که استفاده کنیم.

شاید اگر به یکی از تعابیر «خطبه متقین» عمل کنیم برای صد سال زندگی کردن ما بس باشد. ان شاءالله خداوند به همه ما توفیق دهد.

### تماس بینندگان برنامه:

آقای صالح آبادی از سبزوار سلام علیکم و رحمه الله؛

بیننده (آقای صالح آبادی از سبزوار - شیعه):

جناب آقای حسینی سلام علیکم. جناب آقای دکتر قزوینی سلام علیکم، شب شما بخیر.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

آقای قزوینی من چندین بار مزاحمتان شدم، اما تنها یک بار توانستم زیارتتان کنم. بنده آخر ماه برای ساخت استودیو طبق وظیفه و قولی که داده‌ام تا زمانی که خداوند به من نفس بدهد کمک می‌کنم.

من از شما خواهش می‌کنم دعایی برای من پشت رسید بنویسید که به دست من برسد. من چند وقت پیش خدمت شما آمدم و حضرتعالی پشت رسید امضا کردید. من رسید نمی‌خواهم فقط برای لای کفتم دعایی بنویسید.

همچنین تا زمانی که زنده باشم حتماً آخر ماه مقدار پولی واریز می‌کنم و احتیاج به گفتن هم نیست. هر زمانی که خداوند از من راضی شد اطلاع پیدا می‌کنید و ما هم خدا را شکر می‌کنیم.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاء الله خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا جزای خیر به شما بدهد و هر حاجتی دارید برآورده شود. همچنین کمک کنندگان عزیز هر حاجتی دارند به آبروی امیرالمؤمنین حوائج همه شما گرامیان مخصوصاً حضرتعالی را برآورده کند.

**بیننده:**

جناب آقای دکتر قزوینی از شما بسیار سپاسگذارم. بنده تا زمانی که زنده باشم و خداوند به من عمر دهد آخر هر ماه مبلغ مورد نظر را کمک خواهم کرد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

دست شما درد نکند.

**بیننده:**

از اینکه وقتتان را گرفتم عذرخواهی می‌کنم، باز هم عذرخواهی می‌کنم، باز هم عذرخواهی می‌کنم.

**مجری:**

جناب آقای صالح آبادی شما هم برای ما دعا کنید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ایشان همانند آباء و اجدادمان سبزواری است. زمانی که عزیزان سبزواری پشت خط تلفن می‌آید دلمان حال و هوای وطن می‌کند.

**مجری:** جناب آقای صالح آبادی ان شاءالله خداوند توفیق و برکت به زندگی‌تان بدهد و به خواسته‌هایتان برسید.  
بینندگان عزیز در دعاهایمان برای همدیگر دعا کنیم. فردا هم که روز دحو الارض است دعا برای تجلیل در ظهور  
آقا امام زمان را فراموش نکنید.

علی آقا از مشهد سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (علی آقا از مشهد - شیعه):

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت مجری محترم و کارشناس محترم برنامه حجت الاسلام دکتر قزوینی  
عزیز.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم.

**مجری:**

علیکم السلام و رحمة الله، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

«الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا أمير المؤمنين و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)»

جناب استاد قزوینی به خدا امشب خیلی خوشحالم که برای اولین بار با شما صحبت می‌کنم و از دور دستتان را  
می‌بوسم.

جناب استاد قزوینی خدمت شما دو سؤال داشتم؛ اگر واقعاً منصفانه بخواهیم بگوییم اصلاً کتاب‌های شیعه را  
کنار بگذاریم، اما واقعاً در کتاب‌های اهل سنت حقانیت امیرالمؤمنین ثابت شده است.

مجری:

علی آقا صدای شما قطع شد، مجدداً تماس بگیرید. آقای حبیبی از تهران سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای حبیبی از تهران - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام علیکم و رحمة الله. سؤالی از حاج آقای قزوینی داشتم و آن اینکه من خاطر من هست که شما در یکی از سخنرانی‌هایتان گفته بودید که اگر کار برای خدا و امیرالمؤمنین باشد شیرین است و خستگی ندارد!!

سؤال من این است که چطور می‌شود بنده اهل نماز اول وقت هستم، اهل مطالعه هستم، اهل مطالعه احوال علما هستم؛ اما گاهی اوقات بهجت لازمی که از نظر معنوی باید داشته باشم را ندارم یا مثلاً بعضی وقت‌ها خسته و دل‌مرده می‌شوم.

گاهی اوقات زمانی که در جمع بستگان قرار می‌گیرم احساس انزوا می‌کنم. گاهی اوقات از زهد و ساده زیستی لذت می‌برم، اما گاهی اوقات حالتی نفرت و عقب ماندگی به من دست می‌دهد.

به خاطر دارم که استاد می‌گفت: اگر خستگی در کسی معنا پیدا کرد بدانید که با هدف خیلی فاصله دارد!! حالا می‌خواهم بدانم این حالتی که دارم واقعاً حالت حقیقی و الهی است یا صرفاً یک توهمی است که مثلاً من هم انسانی خدایی هستم!!

اگر امکان دارد ریشه‌یابی کنید که چطور ممکن است گاهی اوقات از اینکه برای خدا و امیرالمؤمنین کار می‌کنیم خسته می‌شویم. اگر لطف کنید یک راه حل عملی بگویید که اگر خدا بخواهد انجام بدهیم. یا علی مدد، التماس دعا، خدانگهدار.

مجری:

ان شاء الله موفق باشید، استاد توضیح خواهند داد. با با علی آقا تماس بگیرید اگر روی خط آمده‌اند سؤالشان را مطرح کنند. استاد با توجه به فرصتی که داریم به همین سؤالی که آقای حبیبی پرسیدند پاسخ دهید.

ایشان می‌گویند که شما در صحبت‌هایتان گفتید: "اگر کار برای امیرالمؤمنین باشد خستگی ندارد!!" ایشان گفتند: من نماز و سایر اعمال عبادی خود را انجام می‌دهم، اما ممکن است گاهی اوقات خستگی به من دست بدهد.

همچنین گفتند که وقتی در جمع فامیل و جای دیگر هرچند می‌خواهند ساده باشند، اما گاهی اوقات حالتی همانند حالت انزوا به ایشان دست می‌دهد که ایشان آن را به احساس عقب ماندگی تعبیر کردند. این بخش اول صحبت‌هایشان بود اگر لطف کنید در این خصوص توضیح بفرمایید.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده در این رابطه جمله ای از امام سجاد (علیه السلام) بیان می‌کنم که جمله بسیار عجیبی است. کسانی که واقعاً حال نماز ندارند و می‌خواهند نماز باحال بخوانند، روزه خالص بگیرند و عمل خالص انجام دهند. جانا سخن از زبان ما می‌گویی!! حضرت امام سجاد می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبْتُ وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا

صَلَّيْتُ وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُكَ مَا لِي»

خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستادم و با تو راز گفتم. چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم، و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو رازونیاز کردم. مرا چه

شده؟!

«كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلُحْتُ سِرِيرَتِي وَ قَرُبْتُ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَ  
حَالَتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ»

هرگاه گفتم نهانم شایسته شد و جایگاهم به جایگاه توبه کنندگان نزدیک گشته برایم گرفتاری پیش  
آمد که بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید و میان من و خدمت به تو مانع شد.

«سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي»

سرور من شاید مرا از درگاهت رانده‌ای و از خدمتت عزل نموده‌ای.

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَحِقًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي»

یا مرا دیده‌ای که حَقَّت را سبک می‌شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی،

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي»

یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی پس مرا مورد خشم قرار دادی.

«أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي»

یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافتی، پس به دورم انداختی.

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي»

یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی پس محروم نمودی.

«أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي»

یا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی.

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي»

یا شاید مرا در گروه غافلان دیدی، پس از رحمتت ناامیدم کردی.

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي»

یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره‌ها دیدی پس مرا به آنان واگذاشتی.

«أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي»

یا به قدری گناهکارم که دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودی.

«أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافِيَتَنِي»

یا شاید به خاطر جرم و جنایت‌م کیفرم نمودی.

«أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي»

یا شاید برای کمی حیاتم از تو مجازاتم نمودی.

«فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي»

پس اگر پروردگارا عفو کنی، سابقه اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته ای طولانی است.

«لَأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ»

زیرا کرم‌ت پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است.

«وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا»



و من پناهنده به فضل توأم، از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده ای. و آن چشم پوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده‌اند.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۹۶، الفصل الخامس فی أعمال لیالی و أيام شهر رمضان المبارک

امام سجاد در این چند فراز بیان می‌کند علت اینکه ما شیرینی مناجات را حس نمی‌کنیم، احساس خستگی می‌کنیم و در نماز حضور قلب پیدا نمی‌کنیم چیست.

من گمان نمی‌کنم شما انسانی اعم از شیعه، سنی یا مسیحی در کره زمین پیدا کنید که دوست نداشته باشد بنشیند با خداوند عالم مناجات کند و از مناجات خود هم لذت ببرد.

من بارها گفته‌ام والله العلی الاعلی لذتی که اولیاء خدا از یک رکعت نماز می‌برند سلاطین روی زمین از تمام دوران سلطنتشان چنین لذتی نمی‌برند. امام سجاد می‌فرماید:

«إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا»

خدایا چه کسی است که شیرینی محبت تو را چشید و غیر از تو چیز دیگری را طلب کرد.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۴۱۲، فصل المناجاة التاسعة: مناجاة المحبتين

این دعا در کتاب «مفاتیح الجنان» است؛ این دعا، دعای سحر امام سجاد در ماه رمضان است و عزیزان می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند.

این دعا همچنین در کتاب «بحار الانوار» اثر «علامه مجلسی» جلد ۹۵ صفحه ۸۶، کتاب «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» (رضوان الله تعالی علیه) جلد ۱ صفحه ۶۴، کتاب «مصباح کفعمی» صفحه ۵۹۳، کتاب «مسکن الفؤاد» اثر «مرحوم شهید» وارد شده است.

همچنین در کتاب «مصباح المتهدد» اثر «شیخ طوسی» صفحه ۵۸۸ و کتاب «صحیفه سجادیه» چاپ جناب آقای «ابطحی» صفحه ۲۲۲ وارد شده است.

آقایان می‌توانند در این مصادر این دعا را بخوانند. بهترین منبع همان کتاب «مفاتیح الجنان» است که در دسترس همگان قرار دارد.

#### مجری:

سؤال که پرسیده شد سؤال خوبی بود و واقعاً در موضوع برنامه بود.

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بسیاری از اوقات که می‌خواهم حال خوبی پیدا کنم چندین فراز دعای سحر اثر امام سجاد (علیه السلام) را می‌خوانم. این دعا واقعاً جگر آدم را کباب می‌کند و همانطور که شاعر می‌گوید: جانا سخن از زبان ما می‌گویی!! انسان احساس می‌کند حضرت عین آنچه که انسان گرفتار آن است را مجسم می‌کند و در خانه خداوند عالم این چنین عجز و تواضع و خشوع دارد.

#### مجری:

امام سجاد (علیه السلام) به خوبی در قالب دعا و قالب یک انسان غیر معصوم از زبان ما این فرمایشات را بیان می‌کنند. حضرت در قالب دعا به ما آموزش دادند که چطور دعا کنیم. واقعاً حرف دل زبان ما و افرادی همانند آقای حبیبی و افراد دیگری را بیان فرمودند.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من به دوستان توصیه می‌کنم هر روز که برای نماز شب بلند می‌شوند ده دقیقه زودتر بلند شوند، یک صفحه از دعای سحر اثر امام سجاد را نه یک بار بلکه چند بار بخوانند و یک مقدار با روحيات خودشان تطبیق بدهند. بنابراین به خواندن تنها اکتفا نشود؛ انسان باید این دعا را بخواند و ببیند که امام سجاد آنجا نشسته‌اند، با روح من آشناست و از زبان من چه می‌فرماید. اگر این دعا با روح انسان تطبیق داده شود ارزشمند است. یک دنیا معارف در دعاهای اهل بیت مخصوصاً «دعای سحر ابوحمزه ثمالی» نهفته است که واقعاً غوغاست. ما می‌توانیم ادعا کنیم از حضرت آدم تا قیام قیامت کسی چنین تعبیری جز کسانی که با مکتب وحی آشنا هستند را به کار نبرده‌اند.

## مجری:

علی آقا که از مشهد تماس گرفته بودند و صدایشان نامناسب بود مجدداً تماس گرفتند، اما ظاهراً مشکلات ارتباطی ایشان درست نشده است. بخش دوم سؤال آقای حبیبی درباره بهجت معنوی بود و پرسیدند که آیا این واقعیت دارد؟! ایشان راه حل عملی درخواست کردند. بخش اعظم رسیدن به بهجت معنوی در مطلبی بود که شما در پاسخ به سؤال اولشان مطرح نمودید. اگر امکان دارد راه حل عملی در مورد بهجت عملی بفرمایید.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اتفاقاً چند روز قبل حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر از طلاب در تهران اردویی داشتند که من هم به آنجا رفته بودم. بعضی از طلبه‌ها می‌پرسیدند: "ما چکار کنیم که برای امیرالمؤمنین کار کنیم و احساس خستگی نکنیم؟!"

بنده در پاسخ گفتم: "در مورد کار برای امیرالمؤمنین محبت و علاقه به درد نمی‌خورد. آنچه می‌تواند برای امیرالمؤمنین خوب کارگر باشد عشق است. مادامی که عشق برای امیرالمؤمنین در ما و روح ما زنده نشود قطعاً در مسیر احساس خستگی می‌کنیم."

افرادی زیادی می‌خواهند برای امیرالمؤمنین کار کنند. من بارها در جلسات مختلف در قم یا کشورهای مختلف در این خصوص صحبت کرده‌ام.

خداوند عالم در نفس ما تأثیر کلامی قرار داده و دوستانی که با آنها صحبت می‌کنیم تصمیم می‌گیرند که ما هم می‌خواهیم شروع کنیم، اما بعد از گذشت یک یا دو ماه شروع می‌کنند بعد کنار می‌گذارند. اصل عشق است!!

آب عقل و عشق از یک جوی نمی‌گردد روان

گر شدی عاشق دگر عاقل نمی‌باید شدن

عشق فراتر از این‌هاست؛ بنابراین در روایت وارد شده است:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا»

بافضیلت‌ترین انسان‌ها کسی است که عاشق عبادت باشد و با عبادت معانقه کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۸۳، ح ۳

تعبیر بسیار عجیبی است؛ اگر عشقی که به فرزندت داری، عاشق همسر و فرزند خود هستی، دست در گریبان فرزندت می‌کنی، به پدر و مادر و خواهر و برادر خود عشق داری در ما احیا بشود همه چیز کامل هست.

زمانی که عشق آمد دیگر خستگی معنا ندارد. قطعاً عزیزان تجربه کرده‌اند که در ابتدای زندگی یا دوران نامزدی یا در هم صحبتی با کسی که دوستش دارید چندین ساعت حرف می‌زنید و یک مرتبه متوجه می‌شوید که چقدر ساعت سریع گذشت.

گاهی اوقات از اول شب با معشوقه خود به صحبت کردن می‌نشینید و تا نزدیک طلوع افتاب حرف می‌زنید، اما اصلاً متوجه نمی‌شوید چه موقع شب تمام شد و چه موقع وقت سپری شد. مدام با خود می‌گویید: "خدایا چرا وقت زود تمام شد!!"

از خداوند بخواهیم برای امیرالمؤمنین هم چنین عشقی به ما بدهد. اگر خداوند چنین عشقی به ما داد قطعاً خستگی ندارد. مادامی که این عشق نیست خستگی و دیگر مسائل هست.

بنده آنچه را که عرض می‌کنم با تمام وجود عرض می‌کنم. سن ما از ۶۴ هم گذشته و خداوند از هر بیماری همانند آرتروز زانو، ناراحتی قلب و کبد مقداری نصیب ما کرده است.

ما راضی به رضای خدا هستیم، اما با تمام این بیماری‌ها روزی ۱۶، ۱۷ ساعت کار می‌کنم. قسم به خدای علی احساس خستگی نمی‌کنم. بنده روزی خسته می‌شوم که کار علمی نکنم.

گاهی اوقات که به مسافرت می‌روم و به کار علمی خود نمی‌رسم آن روز خسته‌ترین روز من است. گاهی اوقات زمانی که مشغول کار می‌شوم ۵ یا ۶ ساعت کار می‌کنم یک مرتبه می‌بینم ساعت یک نیمه شب است، اما نمی‌دانم چطور شب سپری شد.

چندی پیش دوستان از لندن تماس گرفته بودند، مناظره‌ای داشتند و دو سه شبهه جدید مطرح کرده بودند. من نماز عشاء را خواندم و مشغول پاسخ به این شبهات شدم، اما یک مرتبه متوجه شدم نیم ساعت به اذان صبح است و نزدیک هشت ساعت مشغول بودم.

قسم به روح امیرالمؤمنین احساس کردم که ۷ یا ۸ دقیقه گذشته است. والله العلی الاعلی امیرالمؤمنین شیرین است و کار هم برای امیرالمؤمنین شیرین است.

**مجری:**

انشاءالله همه شیعیان بتوانند این حلاوت و شیرینی را درک کنند. حضرت استاد دعا بفرمایید زیرا حیف است در آخر برنامه دعا نشود.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

خدایا تو را به آبروی امیرالمؤمنین، به ولای علی قسم می‌دهیم فرج فرزند علی حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا مقدمات ظهورش را سریعاً فراهم بگردان. خدایا قلب نازنینش را با ظهورش و قضا حوائجش مسرور بگردان. ما را از یاران خاصش قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از گرفتاران بنما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین بر همه بیماران مخصوصاً بیماران مورد نظر شفای عاجل کرم فرما.

خدا به آبروی امیرالمؤمنین حوائج حاجت‌مدان، حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه ولایت»، حوائج بینندگان مخصوصاً ولایت آوران عزیز برآورده بنما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

**مجری:** حضرت استاد از شما بسیار ممنونم. از شما خوبان متشکرم. در این دقایق و لحظات برای تعجیل در ظهور حضرت صاحب الزمان دعا می‌کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج